

سنجش سطح توسعه روستاهای ایران با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی (PQLI)

علی حاجی نژاد، شیمادادفر، مهرشاد طولابی نژاد^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

چکیده

برای سنجش سطح توسعه، تغییر و تحولات فرایند توسعه روستایی و با هدف برنامه‌ریزی و ارزشیابی طرح‌های توسعه روستایی از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش برنامه‌های توسعه روستایی استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) می‌باشد. این شاخص به دلیل سادگی و قابلیت استفاده در سطح وسیع برای سنجش و یا مقایسه سطح توسعه بین مناطق مختلف کاربرد فراوانی دارد. در این مطالعه نیز با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی موریس و مک‌آلپین به بررسی سطح توسعه روستاهای کشور پرداخته شده است. در این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایانه و پوزیتیویسم که دارای ماهیتی کاربردی است و بر روش‌های کمی تأکید دارد، به پیگیری هدف تحقیق که سنجش سطح توسعه روستاهای ایران است، پرداخته شد. داده‌های تحقیق از منابعی چون مرکز آمار ایران، داده‌های وزارت بهداشت و درمان و سالنامه‌های آماری استان-ها گردآوری و با استفاده از فرمول‌های سنجش ضریب سطح توسعه موریس و مک‌آلپین، سطح توسعه روستاهای کشور محاسبه و با یکدیگر مقایسه شد. نتایج نشان داد که سطح توسعه روستاهای کشور از نظر شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی با همدیگر تفاوت دارند. استان‌های مرکزی کشور از نظر ضریب این شاخص نسبت به مناطق دیگر کشور در سطح مناسبی از توسعه روستایی قرار دارند. در حالی که استان‌های حاشیه‌ای کشور در سطح متوسطی از توسعه قرار دارند، و استان سیستان و بلوچستان که جز استان‌های توسعه نیافته کشور محسوب می‌شود، در پایین‌ترین سطح توسعه روستایی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌گان: توسعه، توسعه روستایی، شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی، ایران

۱- دانشیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گیلان

۲- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فارس، فارس، ایران (نویسنده مسئول، ایمیل: shima.dadfar22@gmail.com)

۳- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

شاخص یک معیار آماری است که تغییرات را نشان می‌دهد. برای سنجش سطح توسعه روستایی نیز شاخص‌هایی وجود دارد که تغییر و تحولات فرایند توسعه را مشخص می‌کند (طولابی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۳۲). شاخص‌های توسعه، عمده‌ترین معیار برای هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی طرح‌های توسعه روستایی به شمار می‌آیند. با بهره‌گیری از این شاخص‌ها می‌توان میزان پیشرفت و یا پسرفت پروژه‌های توسعه روستایی را در رسیدن به اهداف خود ارزیابی نمود.

از نظر تاریخی، تولید ناخالص ملی (GNP) و درآمد سرانه به عنوان شاخص‌های اصلی برای سنجش سطح توسعه کشورها استفاده می‌شد (Abdul Aziz et al, 2015: 37) مطابق این دیدگاه، توسعه به معنای ظرفیت یک اقتصاد ملی برای تولید و تداوم افزایش سالانه ناخالص ملی با نرخ‌های رشد بین ۵ تا ۷ درصد یا بیشتر بود (Todaro, 1997: 145). در این دوره رشد اقتصادی به کانون اصلی توسعه تبدیل شد و نرخ رشد سرانه تولید ناخالص به هدف توسعه تبدیل شده بود. با گذشت زمان و در طول سال‌ها محققان دریافتند که استفاده از شاخص‌های تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه برای اندازه‌گیری توسعه کافی نیست. به همین خاطر تلاش‌های بسیاری برای ایجاد شاخص‌های دیگری انجام شد که بتواند به عنوان مکمل یا جایگزینی برای اندازه‌گیری سنتی با استفاده از تولید ناخالص باشد. در این زمینه استریتن (۱۹۸۱) اظهار داشت که اگرچه رشد اقتصادی به صورت غیرقابل انکار یک جنبه مهمی از توسعه است، اما رشد اقتصادی همیشه و به تنهایی مطابق با توسعه نیست. شماری دیگر از اقتصاددانان نیز سنجش سطح توسعه و توسعه روستایی با استفاده از تولید ملی و درآمد سرانه را ناکارآمد می‌دانستند و ترکیب شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به عنوان اقدامات جایگزین توسعه توضیح دادند. به عنوان مثال، آدلمن و موریس (۱۹۶۷) در مطالعه خود براساس الگویی از تعامل بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سطح توسعه را سنجیدند. با این حال پیشرفت مهم در تفکر سنجش سطح توسعه با کار آمارتیا سن (۱۹۹۹) که منجر به تعریف مجدد فرایند توسعه که در گذشته فقط روی رشد اقتصادی متمرکز شده بود انجام گرفت. وی معتقد بود که سنجش سطح توسعه با استفاده از رشد اقتصادی، شاخص‌هایی چون سطح سواد و سطح تحصیلات، بهداشت و تغذیه بهتر، سطوح انسجام اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرد. در یک خط فکری مشابه، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) شاخص توسعه انسانی (HDI) را پیشنهاد داد که فراتر از تعاریف درآمد پولی برای سنجش توسعه بود. گزارش توسعه انسانی بیان می‌کند که توسعه انسانی فرایندی برای افزایش انتخاب‌های مردم است: "مهم‌ترین آنها این است که یک زندگی طولانی و سالم را پشت سر بگذارید، تحصیل کنید و از یک زندگی مناسب برخوردار شوید. گزینه‌های دیگر شامل آزادی سیاسی، تضمین حقوق بشر و احترام به نفس انسان است" (Van Der Gaag, 2011: 147). در دهه‌های بعد نیز محققان علاقه بیشتری برای بررسی و سنجش سطح توسعه و توسعه روستایی از خود نشان دادند تا بتوانند اندازه‌گیری بهتری از توسعه و توسعه روستایی داشته باشند. چرا که سیاست‌های جامع توسعه اساس توانمندسازی و بهبود پایداری زندگی خانوارها می‌باشد (Liu and Liu, 2016: 145). در نتیجه، دیدگاه دیگری از توسعه پدید آمد که تودارو (۱۹۹۷) آن را به عنوان یک فرایند چند بعدی توصیف می‌کند که شامل تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی، نگرش‌ها و نهادهای ملی و همچنین تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر و محرومیت است (Todaro, 1997: 145). به بیان ساده‌تر، در این روش سنجش سطح توسعه روستایی، توسعه به روند بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها اشاره دارد (Peters et al, 2019: 2015). به عنوان مثال یکی از روش‌های سنجش سطح

1- Streeten

2- Adelman and Morris

3- Amartya Sen

4- Todaro

توسعه روستایی، یک تلاش بزرگ در جهت توسعه ترکیبی استفاده از "شاخص طبیعی کیفیت زندگی" (PQLI) بود (Estes, 2016: 175). شاخص طبیعی کیفیت زندگی مبتنی بر شاخص‌های امید به زندگی، میزان مرگ و میر نوزادان و میزان باسواد بودن (Abdul Aziz et al, 2015: 38). شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی به منظور تعیین تاثیر پروژه‌های توسعه و توسعه روستایی در گروه‌های هدف در جوامع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. چرا این شاخص برای مقایسه سطح توسعه در سطح بین‌المللی، داخل کشورها و بین مناطق روستایی و به دلیل ساده بودن، قابل درک بودن و محاسبه راحت کاربرد فراوانی دارند و توزیع تغییرات کمی و کیفی توسعه روستایی در سطح وسیع را به خوبی منعکس می‌کنند.

در ایران نیز خلا موجود در زمینه سنجش تغییرات توسعه روستایی باعث گردیده است تا تدوین برنامه‌های توسعه به دور از شاخص‌های دقیق و مناسب انجام گیرد و هدف‌گذاری برنامه‌ها و ارزیابی آنها با مشکل مواجه شوند. از این رو لازم است که برای تدوین میزان پیشرفت و اعتبار سنجی برنامه‌های توسعه روستایی، به بررسی شاخص‌های ترکیبی توسعه روستایی پرداخته شود تا برنامه‌ریزان و محققان توسعه روستایی بتوانند در مطالعات روستایی یا ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی از طریق سنجش این شاخص‌ها به مسایل روستایی رسیدگی کنند. همچنین در راستای رفع شاخص‌هایی که در وضعیت مطلوبی قرار ندارند اعتبارات بیشتری برای رفع آنها در نظر گرفته شود. لذا شناسایی روند توسعه روستایی مستلزم شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف از جمله شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی می‌باشد. هدف این مطالعه نیز بررسی و سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی مورس و مک‌آلپین است تا برنامه‌ریزان توسعه روستایی برای درک و استفاده آسان از آنها در راستای شناسایی مسائل روستایی یا ارزیابی پروژه‌های توسعه روستایی از این شاخص‌ها بهره‌گیرند.

پیشینه پژوهش

در زمینه سنجش سطح توسعه روستایی مطالعات زیادی انجام گرفته که در ادامه برخی از مطالعات آورده شده است. با این حال در زمینه سنجش سطح توسعه روستاهای ایران با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) در داخل کشور مطالعه‌ای انجام نگرفته است.

تقوایی و نیلی‌پورطباطبایی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با استفاده از روش اسکالوگرام به بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی استان‌های کشور پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اختلاف و شکاف زیادی بین استان‌های مختلف کشور وجود دارد و از لحاظ شاخص‌های مختلف توسعه‌ای، مناطق روستایی استان مازندران بهترین رتبه و مناطق روستایی استان سمنان کمترین رتبه را کسب کرده‌اند. شیخ‌بیگللو (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با استفاده از روش‌های تاپسیس و تاکسونومی عددی بررسی مناطق محروم و توسعه نیافته استان‌های ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که استان‌های ایلام، خراسان شمالی، هرمزگان و سیستان و بلوچستان نسبت به سایر استان‌ها در سطح پایین‌تری از توسعه قرار دارند. فیض‌آبادی و ملکی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با استفاده از تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی به بررسی و مقایسه توسعه یافتگی مناطق روستایی استان‌های ایران پرداختند. نتایج آنان ضمن طبقه‌بندی درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور، نشان داد که شدت نابرابری در بین مناطق روستایی کشور کمتر از دهه گذشته شده است. فیض‌آبادی و زاهدی (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با استفاده از مدل فازی به تحلیل نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه در نواحی روستایی ایران پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که نواحی روستایی استان‌های مرزی کشور نسبت به روستاهای مرکزی کشور توسعه نیافته‌تر هستند. در سایر کشورها نیز؛ وانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با استفاده از داده-

های اولیه اجتماعی و اقتصادی به بررسی الگوهای فضایی-زمانی تحول توسعه شهر و روستا در چین پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که نابرابری فضایی بین رشد و توسعه شهر و روستا در مناطق غربی و شمال‌شرقی چین وجود دارد و توسعه روستایی این مناطق کندتر از دیگر مناطق چین است. آنها دسترسی برابر به نیازهای اولیه اجتماعی و اقتصادی را راهکار مهم کاهش این نابرابری ذکر کردند. استانی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با استفاده از روش میدانی مبتنی بر پرسش‌نامه و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به بررسی تغییرات در توزیع فضایی سطح و پویایی توسعه اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی در لهستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تفاوت در سطح توسعه روستایی در لهستان یک واقعیت بسیار پویا است و توزیع فضایی عوامل اقتصادی و اجتماعی محرک این نابرابری فضایی است. گوو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل سوات و AHP به بررسی سطح توسعه روستایی و استراتژی‌های توسعه روستایی در چین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مناطق روستایی چین از نظر توسعه یافتگی با یکدیگر متفاوت هستند و توسعه کشاورزی مدرن، ارتقاء سطح سرمایه انسانی روستایی و سطح آموزش روستاییان مهم‌ترین دلیل ایجاد اختلاف در سطح توسعه بین مناطق روستایی در این کشور می‌باشد. دژانسکی و ویرشارلوویچ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های دفتر آمار مرکزی و دفتر حسابداری منطقه‌ای لهستان به بررسی افتراق مکانی سطح توسعه روستایی در لهستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وضعیت مالی، عملکرد صنعتی، زیرساخت‌ها و توسعه اجتماعی در بین روستاهای لهستان باعث ایجاد افتراق مکانی در سطح توسعه روستایی این کشور شده است.

مبانی نظری

توسعه روستایی از دیدگاه‌های گوناگون مورد ارزیابی و بازبینی قرار گرفته است، ولی هنوز اجماع نظر جامعی در باره معنا و قلمرو خاص آن دیده نمی‌شود. در تعریف توسعه روستایی می‌توان گفت که نه کمبود تعاریف از آن وجود دارد و نه یک تعریف معمول و پذیرفته شده که مورد توافق جمعی باشد.

با این حال، اصطلاح "توسعه روستایی" زیر مجموعه‌ای از واژه گسترده‌تر توسعه می‌باشد (Green, 2013: 9). از نظر تاریخی، بخش عمده‌ای از سازوکارهای مفهومی توسعه روستایی، توسط نظریه پیوستگی روستایی-شهری شکل گرفته است (Singh, 2009: 3). از نظر بورودینا و پروکپا (۲۰۱۹) توسعه روستایی به عنوان یک فرایند چندبعدی نه تنها شامل رشد اقتصادی در مناطق روستایی است، بلکه در برگیرنده انطباق آن با رفتار انسان، ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع روستایی و مشارکت آنها در فرآیندهای توسعه است. از نظر ورن در پلوگ^۴ و همکاران (۲۰۱۲) توسعه روستایی شامل "تعادل پایدار عناصر در حال تغییر" است، و این تداوم و تغییر همواره توسعه روستایی را مشخص کرده است. اشلی و مکسول (۲۰۰۲) سناریوی توسعه روستایی و زمینه‌های در حال تغییر و رو به رشد توسعه روستایی را به صورت زیر بیان کردند:

- ۱) تنوع در درآمد روستایی در حال تغییر است؛
- ۲) بیشتر فقرا در مناطق کم پتانسیل هستند؛
- ۳) تغییر توزیع جغرافیایی فقر و فقدان توسعه در این مناطق؛

1- Stanny
 2- Guo
 3- Dziekanski and Wierszowicz
 4- Borodina and Prokopa
 5- Van Der Ploeg
 6- Ashley and Maxwell

۴) سهم جمعیت در مناطق روستایی در حال کاهش است؛

۵) اهمیت کشاورزی در حال کاهش است؛

۶) شهرنشینی و افزایش درآمد الگوی تقاضای غذا را تغییر داده است؛

۷) اقتصاد جهانی به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است؛

۸) گسترش تجارت بین‌المللی یکسان نیست؛

۹) افزایش خصوصی‌سازی (هر چند آرام) در کشاورزی.

وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۰) توسعه روستایی را به عنوان "بهبود شرایط کلی جامعه روستایی، از جمله معضلات اقتصادی و اجتماعی، کیفیت زندگی، محیط زیست، بهداشت، زیرساخت‌ها و مسکن روستایی" تعریف کرده است. رابرت چمبرز (۲۰۰۵) توسعه روستایی را به عنوان یک استراتژی تعریف نموده تا گروه خاصی از افراد، زنان و مردان فقیر روستایی را قادر سازد تا برای خود و فرزندانشان آنچه که را می‌خواهند و نیاز دارند، به دست آورند.

در زمینه توسعه و توسعه روستایی دیدگاه‌های مختلفی در صحنه بین‌المللی بیان شد. در دهه ۱۹۵۰ دو مکتب متمایز ظهور کردند؛ مکتب سرمایه‌داری و مکتب مارکسیستی؛ البته به دنبال این مکاتب جهانی شدن نیز مطرح شد که در ادامه سه مکتب اصلی توسعه آورده شده است.

اندیشه نوسازی در دهه ۱۹۶۰ محبوبیت یافت و زیربنا و قالب فکری بسیاری از نظریات توسعه برگرفته از این مکتب می‌باشند (Green, 2013: 21). در زمینه توسعه روستایی فرض این مکتب بر این است که توسعه اساساً یک فرآیند خطی و پیشرفته است. استدلال‌های غالب مکتب سرمایه‌داری در آنچه که امروز با عنوان نظریه نوسازی یا مدل توسعه آزاد جهانی شناخته می‌شود، تجسم یافته است (Yazawa, 2014: 38). اصول مقدماتی نظریه نوسازی از ایده پیشرفت به دست می‌آید، یعنی این ایده که مردم می‌توانند پیشرفت کنند و خودشان جامعه‌ی خود را تغییر دهند (Lemprière, 2016: 692). نوسازی به منزله‌ی فرایندی است که طی آن ساختارهای سنتی به تدریج دستخوش دگرگونی و تحول می‌گردد و به ساختارهایی از نوع مدرن‌تر آن تبدیل می‌شود (Lin, 2013: 86). نوسازی یکی از استراتژی‌های مهم برای تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تا حد زیادی در متون راسل کرو (۲۰۰۳) وجود دارد (Alpermann, 2016: 443). این نظریه در پی آن است که مشخص کند کدام ویژگی‌ها در کشورهای مختلف به توسعه‌ی اقتصادی سود می‌رسانند و کدام ویژگی‌ها مانعی در برابر توسعه‌ی اقتصادی است (Hencoski, 2016: 28). دوم، توسعه روستایی به عنوان پدیده تدریجی، نتیجه عوامل داخلی و نه خارجی است. بر اساس این نظریه، سازمان‌های و موسسات خارجی در تسهیل توسعه نقش کمتری دارند (Rogers, 1995: 124). با این وجود، در مورد منبع تغییر اجتماعی در مناطق روستایی، مسئله دیگری را مطرح می‌کند. اینگلهارت و ولزل (۱۹۹۷) از نظریه-پردازان مشهور نوسازی معتقدند است که نوسازی به عنوان عاملی است که می‌تواند در جوامع، مخصوصاً جوامع روستایی تغییرات مختلفی ایجاد کند و از طریق این تغییرات به توسعه دست یابد. از نظر آنها این تغییرات شامل: تغییر در بسیاری از ساختارها، مانند ساختار شغلی، تغییر در عقلانیت، تکنولوژی، تغییر در علایق زیبایی‌شناختی و ایدئولوژی‌ها، تغییر در رفتار و نگرش جوامع محلی، تغییر در زمینه فردگرایی و نگرش آنها نسبت به پیشرفت و موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشند (Inglehart and Welzel, 2005: 94). اینکلیس (۱۹۹۳) از دیگر نظریه-

1- United States Department of Agriculture

2- Robert Chambers

3- Russell Crowe

4- Inkeles

پردازان نوسازی معتقد است که فرایند نوسازی از طریق ایجاد تغییر در وضعیت معیشتی خانوارهای روستایی، تغییر در عقلانیت و خردگرایی که باعث ایجاد تغییر در اقتصاد کارآمد جوامع روستایی می‌شود، و تغییر در نحوه‌ی برخورد آنها با محیط زیست، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه روستایی اثرگذار می‌باشد.

دومین مکتب توسعه، تئوری وابستگی بود. تئوری وابستگی در مخالفت مستقیم با نظریه نوسازی است. پایه فکری پارادایم جدید در ایده‌های کارل مارکس، فریدریش انگلس و دیگر متفکران مارکسیست ریشه دارد. مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) و انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵)، به ویژه امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) و ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۴) از معاصران و طرفداران نظریه وابستگی بودند.

نظریه پردازان مکتب وابستگی ادعا می‌کنند که تفاوت‌های روستایی- شهری به دلیل تفاوت در ارزش‌ها، رفتار یا روابط اجتماعی نیست. توسعه و توسعه نیافتگی دو مرحله‌ای نیست، بلکه بخشی از فرآیند اقتصادی است. مناطق شهری با هزینه مناطق روستایی توسعه یافته‌اند (Green, 2013: 8). لذا مناطق روستایی لزوماً از همان مسیر توسعه مناطق شهری پیروی نمی‌کنند، و باید وابستگی خود را به سازمان‌ها و مؤسسات خارجی کاهش دهند تا به توسعه دست یابند. چون که ریشه توسعه نیافتگی در مناطق روستایی عوامل خارجی می‌باشند.

دیدگاه غالب بر توسعه روستایی در مکتب وابستگی نیز متأثر از صورت کلی آن است (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹۹). طرفداران وابستگی معتقداند که ارتباط نابرابر شهر و روستا باعث ایجاد تفاوت‌های جغرافیایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و روابط اجتماعی افراد می‌شود، در نتیجه این رابطه نابرابر منجر به تفاوت‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی و شهری می‌شود (Green, 2013: 9). این نظریه پیش فرض مفیدی برای شناسایی عوامل موثر بر توسعه روستایی ارائه می‌دهد.

جایگزین دو مکتب نوسازی و وابستگی، جهانی شدن بود که بر ارتباط بین مناطق روستایی و اقتصاد جهانی تمرکز داشت. نقطه شروع و خواستگاه نظام جهانی اواسط قرن ۱۸ بود. اما اصطلاح جهانی شدن از اواسط دهه ۱۹۸۰ متداول شد (طولابی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۶۳). گیدنز (۲۰۰۹) جهانی شدن را فرایندی می‌داند که به وسیله آن، رویدادها، تصمیمات و فعالیت‌های انجام گرفته در یک قسمت از جهان بر افراد، گروه‌ها و جوامع در سایر نقاط جهان اثر می‌گذارد. مک مایکل (۲۰۱۲) به تحولات در مقیاس بزرگ و جهانی به عنوان "پروژه جهانی‌سازی" یا "جهانی شدن" یاد می‌کند. گرین و هاینس (۲۰۱۲) از طرفداران جهانی شدن معتقدند که برای رسیدن به توسعه مسیری منفردی وجود ندارد و پیش شرط توسعه، وابستگی اقتصاد روستایی و محلی با اقتصاد جهانی است. آنها معتقداند که جهانی شدن راهنمایی خوبی برای سیاست‌های توسعه روستایی فراهم می‌کند. چون که مناطق روستایی می‌توانند در رابطه با اقتصاد بزرگتر به توسعه برسند.

طرفداران جهانی شدن، توسعه روستایی را وابسته به توسعه ملی و جهانی می‌دانند و معتقداند که توسعه روستایی به تنهایی شکل نمی‌گیرد. چون مناطق روستایی به تنهایی ظرفیت و امکانات رسیدن به توسعه را ندارند و وابسته به اقتصاد بزرگتر از اقتصاد روستایی می‌باشند (Milanovic, 2011: 57). نتیجه‌گیری از این سه مکتب (نوسازی، وابستگی و جهانی شدن) نشان می‌دهد، با اینکه مکاتب نوسازی و وابستگی، دستورالعمل‌های مخالفی در زمینه راهبردهای

-
- 1- Karl Marx
 - 2- Friedrich Engels
 - 3- Emile Durkheim
 - 4- Max Weber
 - 5- Giddens
 - 6- McMichael
 - 7- Green and Haines

توسعه روستایی ارائه می‌دهند. ولی هر دو نگاه خاصی به توسعه روستایی داشته‌اند. نظریه مدرنیزاسیون معتقد است که مناطق روستایی از طریق سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر احتمال بیشتری دارد که بتوانند به توسعه دست یابند. برعکس، نظریه وابستگی بیان می‌دارد که مناسب‌ترین راهبرد برای توسعه مناطق روستایی، شکستن رابطه آنها با سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر و مستقل بودن روستاها عامل مهم توسعه آنها است. با این حال جهانی شدن بیان می‌دارد که توسعه روستایی وابسته به بازارها و اقتصاد جهانی است. از طریق اقتصاد جهانی روستاها می‌توانند به توسعه خود دست یابند.

با این حال اکثر نظریه‌پردازان این سه مکتب توسعه معتقدند که برای رسیدن به توسعه روستایی ابتدا باید درک کلی از عوامل مورد نیاز توسعه شناسایی شود. از سویی دیگر، یکی از مهم‌ترین بحث‌های فعلی در زمینه توسعه و توسعه روستایی، انتخاب شاخص‌ها برای سنجش سطح توسعه بود. چرا که برای اندازه‌گیری سطح و سرعت توسعه روستایی شاخص‌هایی وجود دارد که برای سنجش دستاوردهای توسعه روستایی در زمان و مکان‌های مختلف می‌توان از این شاخص‌ها استفاده نمود.

سنجش سطح توسعه و توسعه روستایی با استفاده از شاخص‌های توسعه دارای سابقه زیادی در تاریخ پژوهش‌های علوم اجتماعی دارد که ابتدا در دهه ۱۹۰۰ در پژوهش‌های آمریکا و اروپا مورد استفاده قرار گرفت (Abdul Aziz et al, 2015: 38). بعد از آن تلاش‌های بی‌شماری برای سنجش توسعه از طریق شاخص‌های مختلف انجام شد تا تغییرات اساسی ساختاری، نهادهای اجتماعی، نگرش‌ها در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و همچنین تسریع در رشد اقتصادی کشورها را با هدف کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر و محرومیت روستایی بسنجند (Van Der Gaag, 2011: 25). طبق گفته سن (۱۹۹۹) برای سنجش سطح توسعه و توسعه روستایی شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری توسعه مورد نیاز است تا همه جنبه‌های زندگی افراد را در نظر بگیرد، به عنوان مثال شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و سیاسی. البته شاخص‌های توسعه روستایی کاربردهای مخصوص به خود را دارند. برای سنجش توسعه روستایی در سطح کلان معمولاً از شاخص‌های کمی و داده‌های سازمانی استفاده می‌شود. به این حال و به صورت کلی، اقدامات و معیارهای سنجش سطح توسعه روستایی به سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند:

- ۱) شاخص‌های سنجش توزیع درآمد (مانند منحنی لرنز، ضریب جینی و انحراف استاندارد لگاریتم درآمد؛
- ۲) معیار فقر روستایی (مانند شاخص سرآ شاخص مسکن و شاخص فقر انسانی (HPI)؛
- ۳) شاخص‌های سنجش سطح توسعه روستایی (درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، سرانه هزینه مصرفی، سرانه خدمات و امکانات عمومی و شاخص طبیعی کیفیت زندگی)؛

با توجه به اینکه هدف این مطالعه سنجش سطح توسعه روستاهای ایران با استفاده از شاخص طبیعی کیفیت زندگی می‌باشد، در این مطالعه نیز فقط روند تاریخی و مفاهیم و ابعاد شاخص طبیعی کیفیت زندگی که از شاخص‌های مهم سنجش سطح توسعه روستایی در مقیاس وسیع به شمار می‌رود، آورده شد.

شاخص طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) مبتنی بر جمع ضریب شاخص‌های امید به زندگی، میزان مرگ و میر نوزادان تا قبل از یک سالگی و میزان سواد آموزی در یک کشور و یا یک منطقه است (Estes, 2014: 50). شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی به منظور تعیین تاثیر پروژه‌های توسعه در گروه‌های هدف در جوامع مختلف، برای اولین بار توسط موریس و مک‌آلپین (۱۹۸۲) ارائه شد؛ و با عنوان PQLI معرفی شد (Morris and McAlpin, 1982: 1-).

-
- 1- Sen
 - 2- Head Count (HC) Index
 - 3- Physical Quality of Life Index (PQLI)
 - 4- Morris and McAlpin

30. از آن زمان به بعد این معیار به طور گسترده‌ای برای تعیین سطح توسعه و رشد اقتصادی در سطح بین‌المللی و در داخل کشورها مورد استفاده قرار گرفت.

در زمینه شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی، موريس و مک‌آلپین (۱۹۸۲) بیان داشتند که در محاسبه تولید ناخالص ملی، کالاها و خدمات مختلف را می‌توان از طریق یک عنصر مشترک مانند قیمت بازار ارزش‌گذاری و ترکیب کرد. اما در مورد شاخص PQLI هیچ عنصر مشترکی که بتوان شاخص‌های آن را ارزش‌گذاری کرد وجود ندارد. در عوض، از یک سیستم نمایه سازی ساده برای ترکیب آنها به یک شاخص واحد استفاده می‌شود. به صورتی که عملکرد یک کشور یا منطقه را در زمینه سه شاخص مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی و سطح سواد پایه با استفاده از مقیاس ۰ تا ۱۰۰ ارزش‌گذاری می‌شود.

در این شاخص، هنگامی که عملکرد هر شاخص مشخص شد، میانگین وزن سه شاخص به عنوان یک شاخص ترکیبی (ارزیابی توسعه) محاسبه می‌شود. نتیجه شاخص PQLI به عنوان ضریب سطح توسعه اندازه‌گیری می‌شود. موريس و مک‌آلپین شاخص PQLI را برای ۱۵۰ کشور محاسبه کردند. محدوده این شاخص مبنایی برای بررسی تجربه تاریخی توسعه کشورهای مرتبط بود.

در این بررسی شاخص سواد آموزی از ۰ تا ۱۰۰ درصد سوادآموزی برای جمعیت ۱۵ سال و بالاتر محاسبه می‌شود؛ به این صورت که درصد سواد به عنوان ضریب شاخص عددی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال اگر درصد باسوادی ۷۳ باشد ضریب شاخص ۷۳ خواهد شد (از ۰ تا ۱۰۰). برای به دست آوردن ضریب شاخص مرگ و میر نوزادان تا قبل از یک سالگی، آنها ابتدا تعداد مرگ و میر نوزادان هر سال را از ۲۲۹ (میانگین مرگ و میر که بین ۷ تا ۲۲۹ متغیر بوده) کم نموده و تقسیم بر ۲/۲۲ نمودند و ضریب این شاخص محاسبه شد. برای به دست آوردن ضریب شاخص امید به زندگی ابتدا میزان امید به زندگی در سال را از ۳۸ (میانگین سن امید به زندگی که از ۳۸ تا ۷۷ متغیر بوده) کم نموده و تقسیم بر ۰/۳۹ نموده و ضریب شاخص امید به زندگی محاسبه می‌شود. در نهایت ضریب هر سه شاخص با همدیگر جمع و تقسیم بر سه می‌شود و میانگین سه شاخص (شاخص PQLI) محاسبه می‌شود. در این پژوهش نیز بر اساس شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی و روش موريس و مک‌آلپین، میزان توسعه روستایی کشور محاسبه و مقایسه شود.

روش تحقیق

در این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم^۳ که دارای ماهیتی کاربردی بوده و بر روش‌های کمی تاکید دارد، به پیگیری هدف تحقیق که سنجش سطح توسعه روستاهای ایران با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) است، پرداخته شد. اطلاعات و داده‌های اولیه و خام در مورد استان‌های کشور (جدول ۱) از منابعی همچون مرکز آمار ایران، داده‌های مرکز بهداشت و درمان و سالنامه‌های آماری استانی کشور و در قالب شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی مانند میزان باسوادی، میزان مرگ و میر نوزادان و امید به زندگی در سال‌های ۱۳۹۵ تا کنون گردآوری شد. داده‌های اولیه در سطح جهانی و برای کشورهای مختلف بر اساس گزارش یونسکو و داده‌های بانک جهانی (۲۰۱۷) به دست آورده شد و از طریق روش موريس و مک‌آلپین محاسبه شد. در مرحله بعدی با استفاده از

1- Physical Quality of Life Index

2- Positivism

۳- برای کسب اطلاعات و داده‌های روستایی کشورها و در سطح جهانی (داده‌های بانک جهانی) به آدرس زیر رجوع شود:

<https://data.worldbank.org/indicator/SP.RUR.TOTL.ZS>

روش سنجش سطح توسعه و شاخص طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) موریس و مک‌آلپین (۱۹۸۲) ضریب هر یک از شاخص‌های باسواد، میزان مرگ و میر و امید به زندگی محاسبه و از طریق میانگین‌گیری این سه بعد، ضریب کلی شاخص طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) هر استان به دست آورده شد. روش محاسبه سه شاخص مذکور و طبق روش موریس و مک‌آلپین به صورت زیر به دست آورده شد.

روش سنجش شاخص PQLI

برای محاسبه ضریب شاخص طبیعی کیفیت زندگی از روش موریس و مک‌آلپین (۱۹۸۲) استفاده شد. فرمول محاسبه هر یک از شاخص‌ها و شاخص نهایی (PQLI) به صورت زیر به دست آورده شد:

ضریب شاخص امید به زندگی:

ضریب شاخص امید به زندگی به صورت زیر به دست آورده شد:

امید به زندگی پایه را از ۳۸ (میانگین سن امید به زندگی که از ۳۸ تا ۷۷ متغیر بوده) کم نموده و بر ۰/۳۹ تقسیم می‌شود.

$$\text{ضریب شاخص امید به زندگی} = \frac{38 - \text{امید زندگی پایه}}{0,39}$$

ضریب شاخص مرگ و میر:

ضریب شاخص مرگ و میر نوزادان به صورت زیر به دست آورده شد:

تعداد مرگ و میر نوزادان هر سال را از ۲۲۹ (میانگین مرگ و میر که بین ۷ تا ۲۲۹ متغیر بوده) کم نموده و تقسیم بر ۲/۲۲ شد.

$$\text{تعداد مرگ و میر نوزادان} - 229 = \text{ضریب شاخص مرگ و میر} \times 2,22$$

ضریب شاخص سواد:

ضریب شاخص سواد مطابق با داده‌های واقعی محاسبه شد. به عنوان مثال اگر میزان سواد یک منطقه ۷۳ درصد باشد، میزان ضریب شاخص سواد ۷۳ خواهد شد.

ضریب کلی شاخص طبیعی کیفیت زندگی:

میانگین ضرایب شاخص‌های امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان و سواد (ضریب توسعه روستایی با استفاده از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی).

$$PQLI = \frac{\text{مرگ و میر} + \text{امید به زندگی} + \text{سواد}}{3}$$

در مرحله بعد ضریب هر یک از شاخص‌ها و همچنین ضریب کلی شاخص طبیعی کیفیت زندگی هر استان (واحد تحلیل این مطالعه) محاسبه و وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی شد و نقشه‌های مورد نظر ترسیم و تحلیل شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل فضایی شاخص‌ها از نرم‌افزارهای *Excel* و *GIS* استفاده شده است. در نهایت با توجه به سطوح توسعه روستایی، استان‌های کشور در سه دسته توسعه یافته (زیاد)، توسعه نیافته (کم) و تاحدودی توسعه یافته (متوسط) دسته بندی و تحلیل شد.

جدول ۱: داده‌های خام شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی استان‌های کشور

استان	امید به زندگی	میزان باسوادی (درصد)	مرگ و میر
آذربایجان شرقی	۷۴/۲	۷۵/۷۸	۱۵/۴
آذربایجان غربی	۷۳/۹	۷۴/۰۳	۹/۲
اردبیل	۷۳/۴	۷۴/۰۷	۱۲/۶
اصفهان	۷۴/۹	۸۲/۱۳	۸/۷
البرز	۷۶/۲	۸۵/۰۲	۷/۳
ایلام	۷۱/۲	۷۷/۵۴	۱۵/۳
بوشهر	۷۲/۲	۸۵/۳۴	۹/۹
تهران	۷۶	۸۴/۳۲	۷/۶
چهارمحال و بختیاری	۷۲/۵	۷۷/۴۱	۱۲/۸
خراسان جنوبی	۷۲/۳	۷۹/۰۸	۱۲/۳
خراسان رضوی	۷۴/۱	۸۱/۰۵	۱۲/۳
خراسان شمالی	۷۱/۱	۷۵/۰۸	۱۲/۱
خوزستان	۷۲/۶	۷۵/۵	۱۲/۱
زنجان	۷۴/۴	۷۵/۶۶	۱۴/۷
سمنان	۷۵/۶	۸۴/۵۲	۷/۵
سیستان و بلوچستان	۶۷/۴	۶۸/۲۳	۱۸
فارس	۷۴/۲	۸۲/۵۲	۱۰/۳
قزوین	۷۳/۵	۸۰/۶۱	۱۳
قم	۷۳/۵	۷۹/۵۹	۱۰/۱
کردستان	۷۲/۳	۷۲/۲۷	۹/۵
کرمان	۷۳/۴	۷۹/۹۳	۱۱/۹
کرمانشاه	۷۲/۸	۷۵/۴۱	۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۷۲/۱	۷۷/۳۷	۸/۶
گلستان	۷۲/۵	۸۱/۰۲	۱۰/۳
گیلان	۷۴/۲	۷۸/۴۶	۸/۲
لرستان	۷۲/۷	۷۵/۷۳	۱۲/۱
مازندران	۷۵/۲	۸۴	۹/۸
مرکزی	۷۴/۸	۷۴/۳۶	۱۱/۳
هرمزگان	۷۱/۸	۸۲/۳۳	۱۰
همدان	۷۳/۴	۷۷/۸۶	۱۷/۹
یزد	۷۴/۹	۸۴/۱۳	۸/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، مرکز بهداشت و درمان، ۱۳۹۶، و سالنامه آماری استان‌ها، ۱۳۹۶

یافته‌های تحقیق

برای تحلیل یافته‌های تحقیق و بررسی ضریب توسعه کلی روستاهای کشور، ابتدا ضریب هر یک از شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی (PQLI) که شامل سه شاخص امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان و سطح سواد می‌باشد با استفاده از روش مورس و مک‌آلپین به دست آورده شد و تحلیل فضایی و دسته بندی میزان توسعه روستایی کشور برای هر یک از شاخص‌ها ترسیم شد. در مرحله بعدی میانگین ضریب سه شاخص PQLI محاسبه و ضریب کلی توسعه روستاهای کشور تحلیل شد.

سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضریب امید به زندگی

داده‌ها و اطلاعات امید به زندگی روستاهای کشور به تفکیک استان‌ها، با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان‌ها، و داده‌های مرکز بهداشت و درمان گردآوری شد. همانطوری که در روش تحقیق توضیح داده شد، برای بررسی و محاسبه ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص امید به از روش موریس و مک‌آلپین استفاده شد و با استفاده از این روش ابتدا ضریب توسعه روستاهای کشور به تفکیک استان‌ها شناسایی شد. به عنوان مثال برای سنجش ضریب توسعه روستاهای استان آذربایجان شرقی به عنوان اولین استان ضریب توسعه روستایی به صورت زیر محاسبه شد.

$$93 = 92.8 \approx \frac{36.2}{0.39} = \frac{74.2 - 38}{0.39} = \text{ضریب شاخص امید به زندگی در آذربایجان شرقی}$$

در این معادله، امید به زندگی پایه از ۳۸ (میانگین سن امید به زندگی که از ۳۸ تا ۷۷ متغیر بوده) کم و بر ۰/۳۹ تقسیم شد و ضریب توسعه استان آذربایجان شرقی به دست آورده شد. با استفاده از همین روش ضریب توسعه روستاهای کشور به تفکیک استان‌ها محاسبه شد. بررسی یافته‌های ضریب توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از شاخص امید به زندگی نشان داد (جدول ۲) که از بین ۳۱ استان کشور به ترتیب بیشترین ضریب توسعه روستایی کشور بر اساس ضریب شاخص امید به زندگی مربوط به ۱۲ استان البرز با ضریب (۹۸)، تهران (۹۷)، مازندران (۹۵)، اصفهان (۹۵)، یزد (۹۵)، مرکزی (۹۴)، سمنان (۹۴)، زنجان، فارس، گیلان، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی با ضریب ۹۳ می‌باشد. در حالی که کمترین ضریب توسعه روستایی بر اساس این شاخص مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با ضریب ۷۵، خراسان شمالی و ایلام با ضریب (۸۵)، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان با ضریب ۸۷، استان‌های چهارمحال و بختیاری، گلستان، خراسان جنوبی، کردستان و بوشهر با ضریب ۸۸ و نهایتاً استان لرستان با ضریب ۸۹ می‌باشد.

با توجه به میانگین امید به زندگی روستاهای کل کشور که ۷۳/۳ می‌باشد، ضریب توسعه روستایی کل کشور بر اساس ضریب این شاخص برابر با ۹۱ می‌باشد. مقایسه ضریب توسعه کشور با توجه به این شاخص نشان می‌دهد که ضریب امید به زندگی روستاهای کل کشور کمتر از کشورهای چون استرالیا (ضریب ۱۱۳)، اتریش (ضریب ۱۱۲) و ژاپن (ضریب ۱۱۸) می‌باشد. این در حالی است که متوسط ضریب توسعه کشور بر اساس این شاخص نسبت به کشورهای چون افغانستان (ضریب ۶۶)، آنگولا (ضریب ۵۷) و ضریب توسعه در سطح جهانی (ضریب ۸۸) بیشتر است. داده‌های اولیه در سطح جهانی و برای کشورهای مختلف بر اساس گزارش یونسکو و داده‌های بانک جهانی (۲۰۱۷) به دست آورده شد و از طریق روش موریس و مک‌آلپین محاسبه شد.

جدول ۲: ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص امید به زندگی

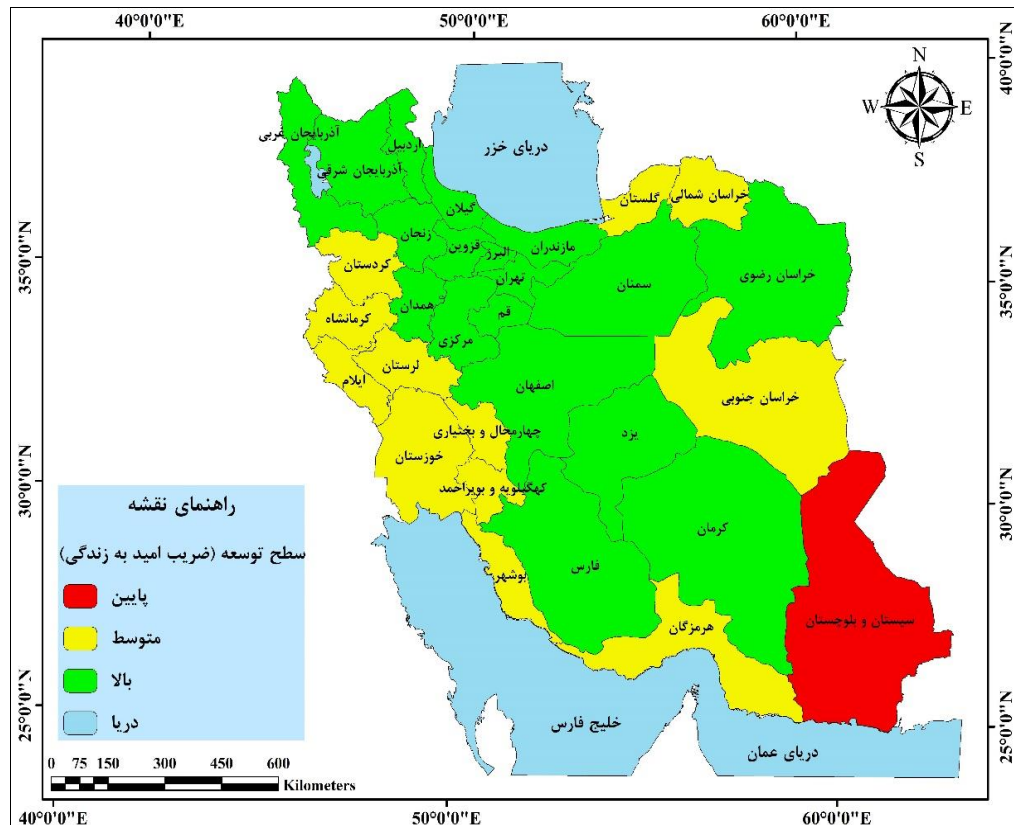
استان	امید به زندگی	ضریب شاخص	استان	امید به زندگی	ضریب شاخص
آذربایجان شرقی	۷۴/۲	۹۳	فارس	۷۴/۲	۹۳
آذربایجان غربی	۷۳/۹	۹۲	قزوین	۷۳/۵	۹۱
اردبیل	۷۳/۴	۹۱	قم	۷۳/۵	۹۱
اصفهان	۷۴/۹	۹۵	کردستان	۷۲/۳	۸۸
البرز	۷۶/۲	۹۸	کرمان	۷۳/۴	۹۱
ایلام	۷۱/۲	۸۵	کرمانشاه	۷۲/۸	۸۹
بوشهر	۷۲/۲	۸۸	کهگیلویه و بویراحمد	۷۲/۱	۸۷
تهران	۷۶	۹۷	گلستان	۷۲/۵	۸۸

۹۳	۷۴/۲	گیلان	۸۸	۷۲/۵	چهارمحال و بختیاری
۸۹	۷۲/۷	لرستان	۸۸	۷۲/۳	خراسان جنوبی
۹۵	۷۵/۲	مازندران	۹۳	۷۴/۱	خراسان رضوی
۹۴	۷۴/۸	مرکزی	۸۵	۷۱/۱	خراسان شمالی
۸۷	۷۱/۸	هرمزگان	۸۹	۷۲/۶	خوزستان
۹۱	۷۳/۴	همدان	۹۳	۷۴/۴	زنجان
۹۵	۷۴/۹	یزد	۹۴	۷۵/۶	سمنان
۹۱	۷۳/۳	نرخ امید به زندگی	۷۵	۶۷/۴	سیستان و بلوچستان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

برای تحلیل فضایی سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص امید به زندگی و افتراق مکانی بین استان‌های کشور از نظر ضریب توسعه این شاخص، با استفاده ضرایب به دست آمده، ضرایب توسعه هر یک از استان‌های کشور با کمک سیستم اطلاعات جغرافیا (GIS) به اطلاعات فضایی متصل و نقشه سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص امید به زندگی تهیه شد. در این الگو، سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضرایب شاخص امید به زندگی در سه سطح توسعه (بالا، متوسط و پایین) دسته‌بندی شد.

الگوی فضایی سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضرایب شاخص امید به زندگی نشان می‌دهد که سطح توسعه روستاهای کشور از نظر شاخص امید به زندگی متفاوت است. مقایسه نسبی سطح توسعه از این نظر نشان می‌دهد (شکل ۱) که روستاهای استان سیستان و بلوچستان از نظر ضریب توسعه با استفاده از شاخص امید به زندگی در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. این استان از نظر خدمات و امکانات زندگی جز محروم‌ترین استان‌های کشور به حساب می‌آید و از نظر ضریب شاخص امید به زندگی نیز به تنهایی در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته است. روستاهای استان‌های حاشیه غرب و جنوب کشور مانند استان‌های لرستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و هرمزگان که اکثراً استان‌هایی با منابع آب فراوان و خاک حاصلخیز، ولی از نظر صنعتی ضعیف و با کمبود امکانات زیرساختی، کمبود خدمات و امکانات رفاهی زندگی روبرو هستند، و همچنین چند استان نیمه شمالی کشور مانند استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و گلستان که با مسائل فوق روبرو هستند در سطح متوسطی از توسعه (ضریب شاخص امید به زندگی) قرار دارند. با این حال استان‌هایی (اکثراً استان‌های کویری و مرکزی کشور) که از نظر محیطی و منابع آب و خاک، و مراتع ناپایدار هستند، ولی از نظر صنعت، خدمات، امکانات و زیرساخت‌ها جز استان‌های برخوردار هستند در بالاترین سطح توسعه از نظر ضریب این شاخص قرار دارند. علاوه بر این استان‌های نیمه شمالی و شمال غربی که از امکانات رفاهی مناسبی برخوردار هستند نیز جز طبقه با توسعه بالا محسوب می‌شوند. پراکنش فضایی این دسته از شمال غربی به سمت جنوب شرقی کشیده شده است.



شکل ۱: نقشه فضایی سطح توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از ضریب شاخص امید به زندگی

سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضریب مرگ و میر نوزادان مرگ‌ومیر نوزادان یک شاخص بهداشتی است و در بررسی این شاخص منظور از مرگ‌ومیر نوزادان تعداد مرگ‌ومیر نوزادان در سال و به ازای ۱۰۰۰ نوزاد می‌باشد. این شاخص نشان می‌دهد که در ازای هر ۱۰۰۰ بچه زنده متولد شده در یک سال چند نفر از آن‌ها می‌میرند. داده‌ها و اطلاعات میزان مرگ و میر نوزادان روستاهای کشور نیز همانطوری که گفته شد از داده‌های مرکز آمار ایران، داده‌های مرکز بهداشت و درمان و سالنامه آماری استان‌ها جمع‌آوری شد. محاسبه ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص و بر اساس روش موریس و مک‌آلپین شناسایی شد. به عنوان مثال برای سنجش ضریب توسعه روستاهای استان لرستان ضریب توسعه روستایی به صورت زیر محاسبه شد.

$$\text{ضریب شاخص مرگ و میر نوزادان لرستان} = \frac{229 - 12,1}{2,22} = \frac{216,9}{2,229} \approx 97,7 = 98$$

در این معادله، میزان مرگ و میر کودکان از ۲۲۹ (میزان مرگ و میر کودکان از هر ۱۰۰۰ نفر) کم و بر ۲/۲۲ تقسیم شد و ضریب توسعه روستاهای استان لرستان به دست آورده شد. با استفاده از همین روش ضریب توسعه (با استفاده از شاخص مرگ و میر) روستاهای کشور به تفکیک استان‌ها محاسبه شد. بررسی یافته‌های ضریب توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از شاخص مرگ و میر نشان داد که از بین ۳۱ استان کشور به ترتیب بیشترین ضریب توسعه روستایی استان‌های کشور مربوط به ۱۵ استان البرز، سمنان و تهران با ضریب (۱۰۰)، و استان‌های فارس، گلستان، قم، هرمزگان، بوشهر، مازندران، کردستان، آذربایجان غربی، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، یزد و گیلان با ضریب توسعه ۹۹ می‌باشد. در حالی که کمترین ضریب توسعه روستایی بر اساس شاخص مرگ و میر نوزادان در سنین قبل از یک سالگی مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان و همدان با ضریب ۹۵، آذربایجان شرقی و ایلام با

ضریب توسعه ۹۶ می‌باشد. ضریب توسعه سایر استان‌ها با استفاده از این شاخص نیز در سطح متوسطی ارزیابی شده که مربوط به استان‌های زنجان، کرمانشاه، قزوین، چهارمحال و بختیاری، اردبیل با ضریب توسعه ۹۷ و استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، لرستان، کرمان و مرکزی با ضریب توسعه ۹۸ می‌باشد (جدول ۳).

میانگین ضریب توسعه روستایی کل کشور بر اساس شاخص مرگ و میر نوزادان ۹۸ می‌باشد. این در حالی است که متوسط ضریب توسعه کشور نسبت به کشورهای چون استرالیا و ژاپن (ضریب ۱۰۳)، اتریش (ضریب ۱۰۲)، بحرین (ضریب ۱۰۰)، چین (ضریب ۱۰۰)، کشورهای اروپای غربی و ایالات متحد با ضریب مرگ و میر پایین (۱ نوزاد از ۱۰۰۰ نوزاد و ضریب توسعه ۱۰۳) و سطح جهانی (۷/۵ مرگ و میر از ۱۰۰ نفر با ضریب ۱۰۰) کمتر است. با این حال ضریب توسعه کشور با استفاده از این شاخص نسبت به ضریب توسعه در کشورهای توسعه نیافته از جمله کشورهای آفریقایی مانند الجزایر (ضریب ۹۴)، آنگولا (با ضریب ۷۹)، و برخی کشورهای آسیایی مانند هند (ضریب ۹۰)، پاکستان (ضریب ۸۷) و افغانستان (ضریب ۸۲) بیشتر می‌باشد. داده‌های اولیه در سطح جهانی و برای کشورهای مختلف بر اساس داده‌های بانک جهانی (۲۰۱۷) به دست آورده شد.

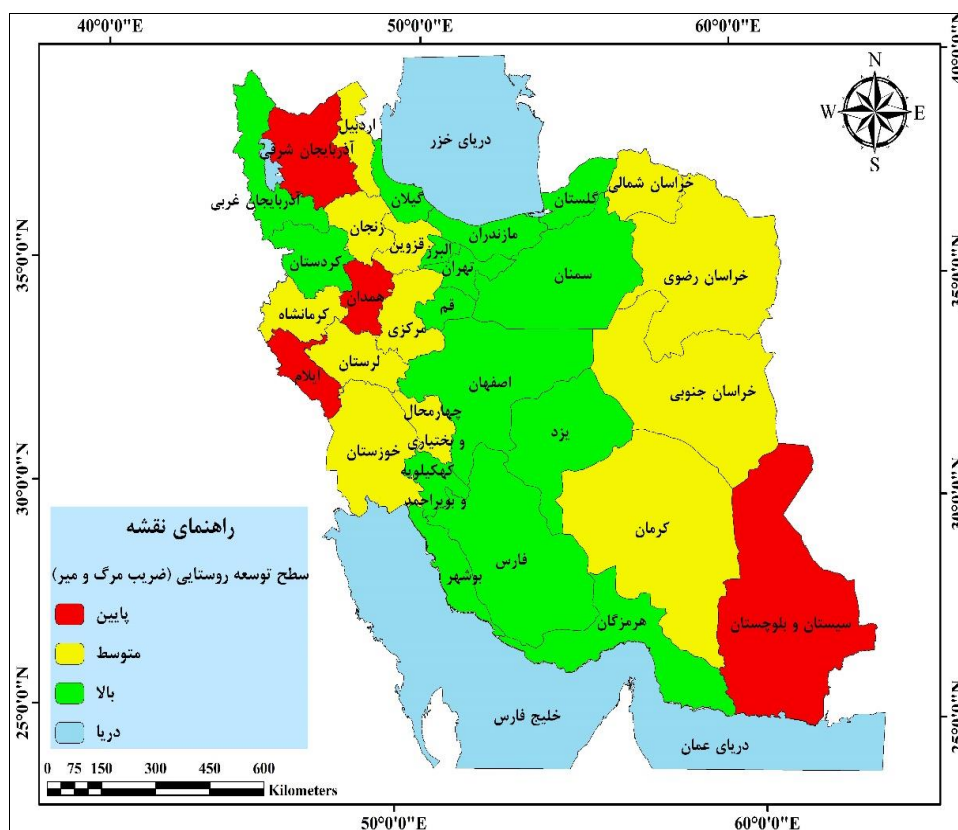
جدول ۳: ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص مرگ و میر نوزادان

استان	مرگ و میر ^۱	ضریب شاخص	استان	مرگ و میر	ضریب شاخص
آذربایجان شرقی	۱۵/۴	۹۶	فارس	۱۰/۳	۹۹
آذربایجان غربی	۹/۲	۹۹	قزوین	۱۳	۹۷
اردبیل	۱۲/۶	۹۷	قم	۱۰/۱	۹۹
اصفهان	۸/۷	۹۹	کردستان	۹/۵	۹۹
البرز	۷/۳	۱۰۰	کرمان	۱۱/۹	۹۸
ایلام	۱۵/۳	۹۶	کرمانشاه	۱۴	۹۷
بوشهر	۹/۹	۹۹	کهگیلویه و بویراحمد	۸/۶	۹۹
تهران	۷/۶	۱۰۰	گلستان	۱۰/۳	۹۹
چهارمحال و بختیاری	۱۲/۸	۹۷	گیلان	۸/۲	۹۹
خراسان جنوبی	۱۲/۳	۹۸	لرستان	۱۲/۱	۹۸
خراسان رضوی	۱۲/۳	۹۸	مازندران	۹/۸	۹۹
خراسان شمالی	۱۲/۱	۹۸	مرکزی	۱۱/۳	۹۸
خوزستان	۱۲/۱	۹۸	هرمزگان	۱۰	۹۹
زنجان	۱۴/۷	۹۷	همدان	۱۷/۹	۹۵
سمنان	۷/۵	۱۰۰	یزد	۸/۵	۹۹
سیستان و بلوچستان	۱۸	۹۵	ضریب کلی مرگ و میر	۱۱/۳۹	۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

الگوی فضایی سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص شاخص مرگ و میر نوزادان نشان می‌دهد که سطح توسعه روستاهای کشور از نظر شاخص امید به زندگی متفاوت است. مقایسه نسبی سطح توسعه از این نظر نشان می‌دهد (شکل ۲) که روستاهای چهار استان سیستان و بلوچستان، ایلام، همدان و آذربایجان شرقی در پایین‌ترین سطح توسعه این شاخص قرار گرفته‌اند. میزان مرگ و میر نوزادان این چهار استان بالاتر از ۱۵ می‌باشد و با اینکه از نظر

دسترسی به خدمات و امکانات این چهار استان باهم تفاوت دارند، ولی میزان مرگ و میر نوزادان در آنها نزدیک به هم و بالا می‌باشد و این چهار استان از نظر ضریب توسعه این شاخص در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته‌اند. الگوی فضایی این چهار استان نیز به صورت پراکنده در قسمت‌های جنوب شرقی، شمال غربی و غرب کشور می‌باشد. بر اساس این شاخص بیشترین ضریب توسعه روستایی کشور مربوط به استان‌های مرکزی کشور که اکثر در مناطق کویری و خشک کشور واقع شده‌اند، می‌باشد. این مناطق شامل استان‌های قم، یزد، اصفهان، سمنان، هرمزگان، بوشهر، مازندران، کردستان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، تهران، البرز، فارس و گلستان می‌باشد. در این طبقه به جز دو استان کردستان و آذربایجان غربی، الگوی فضایی سایر استان‌های این طبقه از شمالی‌ترین قسمت‌های کشور (گیلان و مازندران) تا جنوبی‌ترین استان‌های کشور (هرمزگان و بوشهر) به صورت شمالی-جنوبی و قسمت‌های مرکز کشور را در بر گرفته است. روستاهای استان‌های حاشیه غرب و شرق کشور مانند استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، کرمان، زنجان، کرمانشاه، قزوین، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، خوزستان، لرستان و مرکزی از نظر ضریب توسعه نسبت به دو طبقه ذکر شده در سطح متوسطی قرار گرفته‌اند. الگوی فضایی طبقه متوسط نشان می‌دهد که در حاشیه قسمت‌های شرقی و غربی کشور و با جهتی شمالی-جنوبی قرار گرفته‌اند.



شکل ۲: نقشه فضایی سطح توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از ضریب مرگ و میر نوزادان

سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضریب سطح سواد

برای محاسبه ضریب توسعه با استفاده از شاخص سطح سواد، درصد پایه سطح سواد هر منطقه برای ضریب توسعه این شاخص در نظر گرفته می‌شود. در واقع درصد سطح سواد به عنوان ضریب توسعه محاسبه می‌شود. به عنوان مثال درصد باسوادی روستاهای استان سیستان و بلوچستان ۶۸/۲۳ درصد می‌باشد، ضریب توسعه این شاخص ۶۸ در نظر گرفته می‌شود. ضریب سایر استان‌های کشور نیز به همین صورت به دست آورده شده است (درصد سواد گرد شده و

ضریب محاسبه می‌شود). داده‌ها و اطلاعات سطح سواد روستاهای کشور نیز از طریق داده‌های مرکز آمار کشور (۱۳۹۵) گردآوری شد. بررسی یافته‌های ضریب توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از شاخص سطح سواد (جدول ۴) نشان داد که از بین ۳۱ استان کشور به ترتیب بیشترین ضریب توسعه روستایی کشور بر اساس این شاخص مربوط به استان‌های البرز، بوشهر و سمنان با ضریب ۸۵، تهران، مازندران و یزد با ضریب ۸۴، فارس با ضریب ۸۳، اصفهان و هرمزگان با ضریب ۸۲، و خراسان رضوی، قزوین و گلستان با ضریب ۸۱ می‌باشد. در حالی که کمترین ضریب توسعه روستایی بر اساس ضرایب این شاخص مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با ضریب ۶۸، کردستان با ضریب ۷۲، اردبیل، آذربایجان غربی و مرکزی با ضریب ۷۴، و خراسان شمالی و کرمانشاه با ضریب ۷۵ می‌باشد. ضریب توسعه روستایی کل کشور بر اساس شاخص سواد نیز ۷۹ می‌باشد که نسبت به برخی کشورها در سطح پایینی قرار دارد. به عنوان مثال، بر اساس داده‌های بانک جهانی و یونسکو (۲۰۱۷) در سطح جهانی، ضریب باسوادی در بعضی از کشورها مثل فنلاند، آندورا، لوگزامبورگ، گرینلند، نروژ، لیختن‌اشتاین و چند کشور دیگر تقریباً به ۱۰۰ درصد رسیده است. سطح سواد کشورهایی مانند اسلواکی، ترکمنستان، ازبکستان، و قرقیزستان، اسلواکی نیز در محدوده ۹۲ درصد تا ۹۶ درصد قرار دارد. کشورهایی مانند افغانستان، پاکستان، و برخی کشورهای آفریقایی درصد باسوادی کمتر از میانگین کشور ایران دارند.

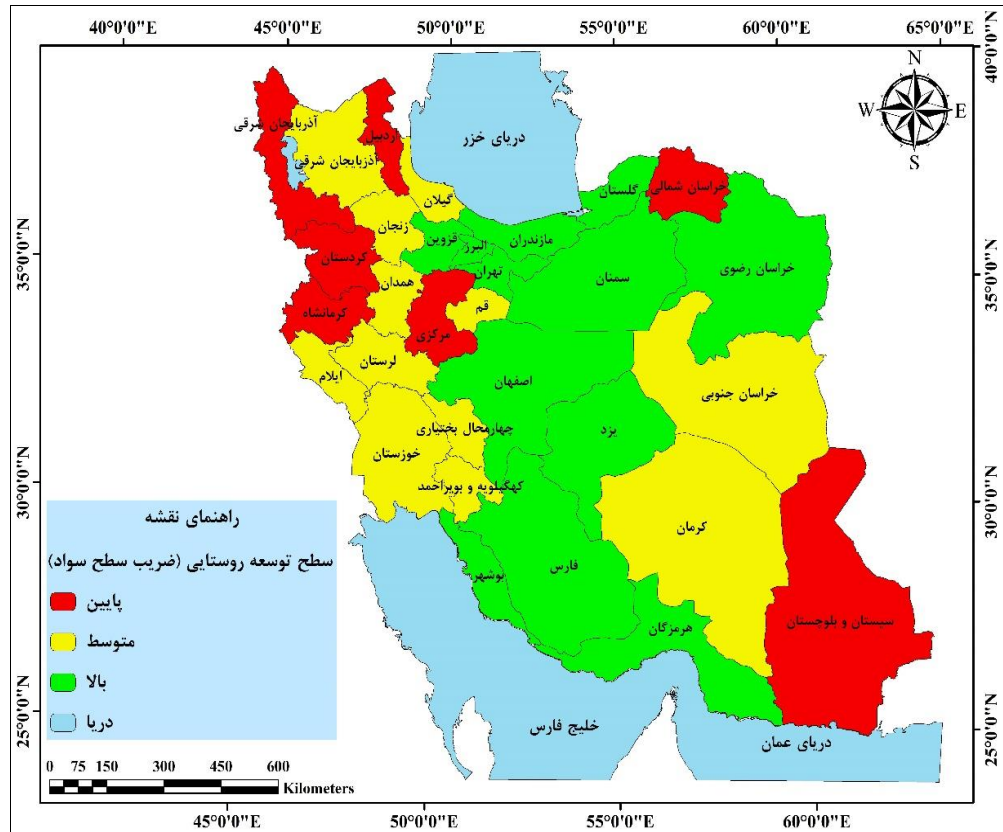
جدول ۴: ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص سطح سواد

استان	سطح سواد	ضریب شاخص	استان	سطح سواد	ضریب شاخص
آذربایجان شرقی	۷۵/۷۸	۷۶	فارس	۸۲/۵۲	۸۳
آذربایجان غربی	۷۴/۰۳	۷۴	قزوین	۸۰/۶۱	۸۱
اردبیل	۷۴/۰۷	۷۴	قم	۷۹/۵۹	۸۰
اصفهان	۸۲/۱۳	۸۲	کردستان	۷۲/۲۷	۷۲
البرز	۸۵/۰۲	۸۵	کرمان	۷۹/۹۳	۸۰
ایلام	۷۷/۵۴	۷۸	کرمانشاه	۷۵/۴۱	۷۵
بوشهر	۸۵/۳۴	۸۵	کهگیلویه و بویراحمد	۷۷/۳۷	۷۷
تهران	۸۴/۳۲	۸۴	گلستان	۸۱/۰۲	۸۱
چهارمحال و بختیاری	۷۷/۴۱	۷۷	گیلان	۷۸/۴۶	۷۸
خراسان جنوبی	۷۹/۰۸	۷۹	لرستان	۷۵/۷۳	۷۶
خراسان رضوی	۸۱/۰۵	۸۱	مازندران	۸۴/۰۰	۸۴
خراسان شمالی	۷۵/۰۸	۷۵	مرکزی	۷۴/۳۶	۷۴
خوزستان	۷۵/۵۰	۷۶	هرمزگان	۸۲/۳۳	۸۲
زنجان	۷۵/۶۶	۷۶	همدان	۷۷/۸۶	۷۸
سمنان	۸۴/۵۲	۸۵	یزد	۸۴/۱۳	۸۴
سیستان و بلوچستان	۶۸/۲۳	۶۸	ضریب کلی سواد کشور	۷۸/۷۲	۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

الگوی فضایی سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از ضرایب شاخص سطح سواد نشان می‌دهد که سطح توسعه روستاهای کشور از نظر ضریب سواد متفاوت است. مقایسه نسبی سطح توسعه از این نظر نشان می‌دهد (شکل ۳) که روستاهای استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، مرکزی، کرمانشاه، کردستان، اردبیل و آذربایجان غربی کمتر از ۷۶ می‌باشد از نظر ضریب توسعه با استفاده از این شاخص در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. الگوی فضایی این دسته از استان‌ها نشان می‌دهد که به جز استان مرکزی، مابقی استان‌ها در قسمت‌های مرزی کشور واقع شده‌اند.

علاوه بر استان خراسان رضوی، استان‌های مرکزی کشور که از شمال کشور تا جنوب کشور را در بر گرفته‌اند و از نظر صنعت، خدمات و امکانات آموزشی و رفاهی زندگی جز استان‌های برخوردار کشور به حساب می‌آید، از نظر ضریب شاخص سواد نیز در بالاترین سطح توسعه قرار گرفته است. روستاهای استان‌های حاشیه غرب و شرق کشور، و همچنین چند استان نیمه شمالی کشور در سطح متوسطی از توسعه (ضریب شاخص سطح سواد) قرار دارند و جز طبقه با توسعه متوسط محسوب می‌شوند.



شکل ۳: نقشه فضایی سطح توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از ضریب شاخص سواد

سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص (PQLI)

برای محاسبه ضریب توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص (PQLI)، میانگین ضریب هر یک از شاخص‌های امید به زندگی، میزان مرگ و میر و ضریب سواد به عنوان ضریب شاخص (PQLI) محاسبه می‌شود. در روش موریس و مک‌آلپین، ضریب سه شاخص فوق جمع و تقسیم بر سه می‌شود و ضریب به دست آمده به عنوان ضریب توسعه محاسبه می‌شود. به عنوان مثال برای سنجش ضریب توسعه روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد با توجه به این روش به صورت زیر محاسبه شد. سطح توسعه روستایی سایر استان‌های کشور نیز به همین شکل محاسبه شد.

$$PQLI \text{ روش با احمد با روش} = \frac{87 + 99 + 77}{3} = \frac{263}{3} \approx 87.6 = 88$$

بررسی ضریب توسعه روستایی (PQLI) استان‌های کشور (جدول ۵) نشان داد که به ترتیب بیشترین ضریب توسعه روستایی استان‌های کشور مربوط به استان‌های البرز، تهران با ضریب توسعه ۸۴، سمنان، یزد و مازندران با ضریب توسعه ۹۳، اصفهان و فارس با ضریب توسعه ۹۲ و خراسان رضوی و بوشهر با ضریب توسعه ۹۱ می‌باشد. این استان‌ها از نظر امکانات و خدمات بهداشتی، آموزشی و خدمات رفاهی زندگی در سطح مناسبی تر نسبت به مابقی استان‌ها

برخوردار هستند. کمترین ضریب توسعه روستایی نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ضریب توسعه ۷۹ می‌باشد. این استان به نوعی یکی از استان‌های محروم کشور محسوب می‌شود و در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته است. سایر استان‌ها نیز در شرایط کمتر توسعه یافته و توسعه متوسط قرار گرفته‌اند. ضریب کلی توسعه روستاهای کشور نیز ۸۹ می‌باشد که نسبت به توسعه روستایی کشورهای توسعه یافته (با ضریب ۱۲۶) در سطح پایین‌تری قرار گرفته است.

جدول ۵: سنجش سطح توسعه روستاهای کشور با استفاده از شاخص PQLI

استان	ضریب امید به زندگی	ضریب مرگ و میر	ضریب سواد	ضریب PQLI
آذربایجان شرقی	۹۳	۹۶	۷۶	۸۸
آذربایجان غربی	۹۲	۹۹	۷۴	۸۸
اردبیل	۹۱	۹۷	۷۴	۸۷
اصفهان	۹۵	۹۹	۸۲	۹۲
البرز	۹۸	۱۰۰	۸۵	۹۴
ایلام	۸۵	۹۶	۷۸	۸۶
بوشهر	۸۸	۹۹	۸۵	۹۱
تهران	۹۷	۱۰۰	۸۴	۹۴
چهارمحال و بختیاری	۸۸	۹۷	۷۷	۸۷
خراسان جنوبی	۸۸	۹۸	۷۹	۸۸
خراسان رضوی	۹۳	۹۸	۸۱	۹۱
خراسان شمالی	۸۵	۹۸	۷۵	۸۶
خوزستان	۸۹	۹۸	۷۶	۸۷
زنجان	۹۳	۹۷	۷۶	۸۹
سمنان	۹۴	۱۰۰	۸۵	۹۳
سیستان و بلوچستان	۷۵	۹۵	۶۸	۷۹
فارس	۹۳	۹۹	۸۳	۹۲
قزوین	۹۱	۹۷	۸۱	۹۰
قم	۹۱	۹۹	۸۰	۹۰
کردستان	۸۸	۹۹	۷۲	۸۶
کرمان	۹۱	۹۸	۸۰	۹۰
کرمانشاه	۸۹	۹۷	۷۵	۸۷
کهگیلویه و بویراحمد	۸۷	۹۹	۷۷	۸۸
گلستان	۸۸	۹۹	۸۱	۸۹
گیلان	۹۳	۹۹	۷۸	۹۰
لرستان	۸۹	۹۸	۷۶	۸۸
مازندران	۹۵	۹۹	۸۴	۹۳
مرکزی	۹۴	۹۸	۷۴	۸۹
هرمزگان	۸۷	۹۹	۸۲	۸۹
همدان	۹۱	۹۵	۷۸	۸۸
یزد	۹۵	۹۹	۸۴	۹۳
جمع	۹۱	۹۸	۷۹	۸۹

الگوی فضایی سطح توسعه روستاهای کشور با توجه شاخص (PQLI)، نشان می‌دهد که روستاهای استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق کشور توسعه نیافته‌ترین استان کشور از نظر شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی می‌باشد. این استان با توجه به کمبود امکانات، انزوای جغرافیایی، دوری از مرکز کشور، محروم بودن منطقه و همجواری با کشورهای ناپایداری چون افغانستان و پاکستان که از نظر ضریب توسعه جز کشورهای توسعه نیافته حساب می‌شوند در پایین‌ترین سطح توسعه روستایی کشور قرار گرفته است. استان‌های مرکزی کشور که دارای صنایع متعدد هستند، از زیرساخت‌ها و امکانات مناسب برخوردار بوده و دارای شهرهای پرجمعیتی نیز می‌باشند در بالاترین سطح توسعه روستایی کشور قرار گرفته‌اند. این استان‌ها با توجه به صنعتی بودن، امکانات رفاهی مناسب زندگی در بالاترین سطح توسعه روستاهای کشور قرار دارند. الگوی فضایی این استان‌ها نیز نشان می‌دهد که به جز استان خراسان رضوی، شامل استان‌های مرکزی کشور می‌باشند که با جهت شمالی-جنوبی از استان‌های مازندران، تهران و البرز تا کناره‌های خلیج فارس را در بر گرفته است. سایر استان‌های کشور که در حاشیه‌های غرب، شمال غربی، شمال شرقی و شرق کشور قرار دارند جز استان‌های کمتر توسعه یافته کشور به حساب می‌آیند (شکل ۴). البته لازم به ذکر است که این مقایسه از استان‌ها نسبت به همدیگر صورت گرفته است و ضریب کلی توسعه کشور نسبت به کشورهای توسعه یافته پایین‌تر و نسبت به کشورهای توسعه نیافته آفریقا، و برخی کشورهای آسیایی بالاتر بوده است.



شکل ۴: نقشه فضایی سطح توسعه روستایی استان‌های کشور با استفاده از شاخص (PQLI)

نتیجه‌گیری

برای اندازه‌گیری سطح و سرعت توسعه روستایی در داخل کشورها و یا برای مقایسه سطح توسعه روستایی بین کشورها شاخص‌هایی مختلفی وجود دارد. چرا اصطلاح روستایی و مفهوم توسعه روستایی دارای ویژگی‌های متفاوتی است و توسعه روستایی یک مفهوم چند بعدی است؛ لذا نمی‌توان یک معیار و شاخص واحد برای بررسی وضعیت و روند توسعه روستایی در نظر گرفت. به همین خاطر برای سنجش دستاوردهای توسعه روستایی و اندازه‌گیری سطح

توسعه روستایی در زمان و مکان‌های مختلف نیز شاخص‌های مختلفی ارائه شده است. البته شاخص‌های توسعه روستایی کاربردهای مخصوص به خود را دارند. به صورت کلی این شاخص‌ها شامل سه دسته کلی شاخص‌های سنجش سطح توسعه روستایی، شاخص‌های سنجش توزیع درآمد و معیار فقر روستایی می‌باشند. شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی جز دسته اول شاخص‌های سنجش سطح توسعه روستایی می‌باشند. شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی به منظور تعیین تاثیر پروژه‌های توسعه در گروه‌های هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولا با توجه به اینکه برای سنجش توسعه روستایی در سطح کلان از شاخص‌های کمی و داده‌های سازمانی استفاده می‌شود و این شاخص نیز بر داده‌های کمی توسعه تاکید دارد، در سطح کلان قابل کاربرد است و به دلیل ساده بودن، قابل درک بودن و محاسبه راحت کاربرد فراوانی دارند و توزیع تغییرات کمی توسعه را به خوبی منعکس می‌کنند در این مطالعه نیز با استفاده از این شاخص و روش موریس و مک‌آلپین به بررسی سطح توسعه روستاهای کشور پرداخته شد.

نتایج نشان داد که روستاهای کشور از نظر شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی با همدیگر تفاوت دارند. استان‌های مرکزی کشور که از نظر صنعتی بودن، امکانات رفاهی زندگی، خدمات آموزشی و بهداشتی، زیرساخت‌ها، موقیت ترانزیتی کشور، نزدیکی به مرکز کشور، سیاست‌های کلی کشور و مدیریت قوی در بالاترین سطح توسعه روستاهای کشور قرار گرفته‌اند و به تبع از نظر میزان سواد و تحصیلات بالا، امید به زندگی بالا و نرخ مرگ و میر نوزادان کمتر، در وضعیت بهتری از توسعه روستایی قرار گرفته‌اند. با این حال استان‌هایی که از کمبود این امکانات و خدمات رفاهی زندگی رنج می‌برند نسبت به این استان‌ها توسعه نیافته‌تر هستند و از نظر سه شاخص طبیعی کیفیت زندگی در سطح پایین‌تری قرار گرفته‌اند. در این بین، استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق کشور نیز با توجه به مسائل و مشکلات فراوانی که گریبانگیر روستاهای این استان و به خصوص در روستاهای مرزی آن شده است جز توسعه نیافته‌ترین استان‌های کشور می‌باشد و از نظر شاخص‌های طبیعی کیفیت زندگی و ضریب کلی توسعه روستایی در پایین‌ترین سطح توسعه روستایی قرار گرفته است. از دلایل مهم محروم بودن این استان می‌توان به کمبود امکانات بهداشتی و آموزشی، انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز کشور اشاره نمود. به صورت کلی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته ضریب توسعه روستاهای کشور پایین‌تر می‌باشد، ولی در مقایسه با برخی کشورهای آفریقایی که درگیر خشکسالی و درگیری‌های داخلی هستند، و همچنین برخی کشورهای توسعه نیافته آسیا مانند پاکستان، افغانستان و عراق ضریب توسعه روستایی کشور بالاتر می‌باشد. توزیع نابرابر امکانات بهداشتی در شهرها و روستاها، توزیع نامناسب درآمد، سیاست‌های دولت، همچنین نابرابری امکانات و خدمات در بین روستاهای مرکزی با روستاهای استان‌های حاشیه‌ای کشور یکی از مهم‌ترین دلایل این نابرابری و تفاوت توسعه در روستاهای کشور است. در رابطه با یافته‌های پژوهش نکات زیر پیشنهاد می‌شود: الف) با توجه به توزیع نابرابر درآمد، امکانات و خدمات در روستاهای کشور که منجر به توسعه نیافتگی برخی مناطق کشور شده است، در این زمینه لازم است سیاستگذاران توسعه روستایی با توزیع عادلانه خدمات و توجه به روستاهای سایر استان‌ها و به خصوص روستاهای مرزی کشور می‌توانند تا حدودی از ایجاد شکاف در بین روستاها جلوگیری نمایند؛ ب) امکانات بهداشتی، آموزشی و شاخص‌های رفاهی از اصول مهم و اولیه مورد نیاز هر جامعه می‌باشد. توجه به این شاخص‌ها به منظور تربیت نیروی انسانی سالم باید در اولویت برنامه‌های توسعه روستایی قرار گیرد تا از این طریق علاوه بر کاهش مرگ و میر نوزادان به افزایش درصد باسوادی روستاهای کشور کمک نمود؛ ج) با توجه به بالا بودن میزان مرگ و میر نوزادان کشور در مقایسه با برخی کشورها، لازم است توجه ویژه‌ای به این شاخص‌ها شود. با این حال معظلی که بیشتر روستاییان را تهدید می‌کند، کمبود مراکز بهداشتی نسبت به جمعیت روستایی، عدم آموزش روستاییان در زمینه خدمات بهداشتی اولیه است که نیازمند توسعه مسئولین توسعه روستایی کشور است؛ د) اغلب روستاییان کشور سطح سواد پایینی دارند، گسترش هر چه بیشتر برنامه‌های آموزشی و تشویق روستاییان به حضور در این کلاس‌ها می‌تواند سطح دانش آنها را ارتقا دهد.

امروزه اغلب محققین بر این نکته متفق القول هستند که روستاییانی که از سطح سواد بالاتری برخوردارند، زودتر فناوری‌های جدید را می‌پذیرند و لذا افزایش سطح سواد آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سطح توسعه روستایی کشور نیز اثرات مطلوبی خواهد داشت؛ (ه) شاخص مرگ‌ومیر کودکان یکی از مهم‌ترین نشانگرهای بهداشتی و درمانی است و هر کشوری که بتواند میزان مرگ‌ومیر کودکان در سنین مختلف را کاهش دهد، می‌تواند شاخص بهداشتی خود را ارتقا دهد، با توجه به میزان بالای مرگ و میر نوزادان تازه متولد شده کشور در مقایسه با سایر کشورها بهترین راهکار توزیع عادلانه امکانات بهداشتی و مستقر کردن اکیپ‌های پزشکی در روستاهای دورافتاده کشور می‌باشد. این امر، علاوه بر کاهش مرگ و میر نوزادان می‌تواند به افزایش امید به زندگی بزرگسالان روستایی نیز کمک نماید؛

در نهایت بر اساس این گفته "نلسون ماندلا" (سخنرانی در میدان ترافالگار، لندن، ۲۰۰۵)، «فقر و محرومیت طبیعی نیست. توسط انسان ساخته شده است و انسان می‌تواند توسط اقدامات خود بر آن غلبه و آن را ریشه‌کن کند. باید به‌طور واقعی بر فقر و محرومیت و توسعه نیافتگی غلبه کرد نه با ژست‌های سیاسی و خیریه. این عمل از عدالت است. این حفاظت از حقوق انسانی است، حق کرامت و زندگی مناسب و معقول» لذا باید به صورت واقعی باید بر توسعه نیافتگی روستایی از همه نظر غلبه نمود، جوامع روستایی نیاز به حمایت واقعی دارند نه با طرح‌ها، برنامه‌ها و ژست‌های سیاسی، برای رسیدن به توسعه روستایی باید برنامه‌های بلندمدت در زمینه کشاورزی و دامداری طرح نمود نه با برنامه‌های کالبدی و نمادین، لازم است امکانات در اختیار آنها قرار داد نه پول نقد یا سیر کردن شکم آنها. باید به خانورهای روستایی ماهیگیری یاد داد نه ماهی.

همچنین توصیه می‌شود که مطالعات بیشتری در زمینه شناسایی شاخص‌های توسعه روستایی و بررسی تفاوت‌های نواحی مختلف از نظر این شاخص‌ها انجام گیرد. به این امید که در جهت کاهش نابرابری در توزیع امکانات و خدمات توسعه‌ای، کاهش محرومیت روستایی و رسیدن به توسعه پایدار روستایی کشور عزیزمان، مخصوصاً روستاهای دورافتاده و توسعه نیافته کشور که در فقر و محرومیت به سر می‌برند از این پژوهش بهره گرفته شود.

منابع

۱. پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر، (۱۳۹۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۲. تقوایی، مسعود، نیلی پورطباطبایی، شهره، (۱۳۸۵)، بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش اسکالوگرام، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴(۵۶): ۱۰۹-۱۴۱.
۳. سالنامه آماری جمعیت کشور (۱۳۹۶)، فصل میزان ولادت و مرگ و میر.
۴. شیخ‌بیگلر، رعنا، (۱۳۹۰)، شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۷): ۵۳-۷۰.
۵. طولابی‌نژاد، مهرشاد، (۱۳۹۸)، توسعه روستایی: اصول، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی، تهران، انتشارات آکادمیک، چاپ اول.
۶. فیض‌آبادی، یاسر، زاهدی، شبنم، (۱۳۹۷)، تحلیل نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی توسعه در نواحی روستایی ایران، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۲): ۱۹-۴۰.
۷. فیض‌آبادی، یاسر، ملکی، فاطمه، (۱۳۹۴)، بررسی و مقایسه توسعه یافتگی مناطق روستایی استان‌های ایران، رشد و توسعه اقتصاد روستایی و کشاورزی، ۱(۱): ۷۱-۸۲.
۸. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، فصل جمعیت و نیروی انسانی خانوارهای روستایی سال ۱۳۹۵.
9. Abdul Aziz, S. Mohd Amin, R. Abdullah Yusof, S. Haneef, M. A. Mohamed, M. O. and Oziev, G.(215), A Critical Analysis Of Development Indices, Australian Journal of Sustainable Business and Society, 1(1): 37- 53.
10. Adelman, I. Morris, C. T.(1967), Society, politics and economic development, Jolins Hopkins University Press, Baltimore.
11. Alpermann, B.(2016), Fukuyama and the Chinese middle class: modernizing theory, Journal of Chinese Governance, 1(3): 441- 456.
12. Ashley, C; and Maxwell, S.(2002), Rethinking Rural Development, Development Policy Preview, 19(4): 395-425.
13. Borodina, O. and Prokopa, I.(2019), Inclusive rural development: a scientific discourse, Economy and Forecasting, 3(1): 70- 85.
14. Chambers, R.(2005), Ideas for Development, London: Earthscan.
15. Dziekanski, P. and Wierszolowicz, E.(2019), THE Spatial Differentiation of Development and the Level of the Financial Situation of Rural Communes of the Swietokrzyskie Vpivodeship, Economic Science for Rural Development Conference Proceedings, 1(52): 248- 255.
16. Estes, R. J.(2016), Global Change and Quality of Life Indicators, A Life Devoted to Quality of Life, Social Indicators Research Series, 60: 173- 193.
17. Estes, R.J.(2014) Physical Quality of Life Index(PQLI). In: Michalos A.C.(eds) Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research. Springer, Dordrecht.
18. Giddens, A.(2000), Runaway World: How Globalization Is Reshaping Our Lives, New York: Routledge.
19. Green, G. P.(2013), Handbook of Rural Development, Massachusetts, Edward Elgar Publishing, USA.
20. Green, G. P. and Haines, A.(2012), Asset Building and Community Development, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
21. Guo, X. Yan, H. and Yuan, W.(219), Research on China's Rural Development Strategy Based on SWOT-AHP Analysis, International Research in Economics and Finance, 3(1): 1- 15.

22. Hencoski, P.(2016).Planning for an Incremental Approach to Modernization, Policy and Practice, 74(4):26-50.
23. Inglehart, R; Welzel, C.(2005), Modernization, Cultural Change and Democracy: The Human Development Sequence, New York: Cambridge University Press.
24. Inkeles, A.(1993), Industrialization, modernization and the quality of life, International Journal of Comparative Sociology, 34(2): 1-2.
25. Lemprière, M.(2016), Usingecological modernisation theory to account for the evolution of the zero-carbon homes agenda in England, Academic Journal Environmental Politics, 25(4): 690-708.
26. Lin. X,(2013). Gender, Modernity and Male Migrant Workers in China: Becoming a'modern'Man, London, Publisher London: Routledge, 4 Apr 2013, PP 150.
27. Liu, Z., and Liu, L.(2016). Characteristics and driving factors of rural livelihood transition in the east coastal region of China: A case study of suburban Shanghai. Journal of Rural Studies, 43(3): 145- 158.
28. McMichael, P.(2012), Development and Social Change: A Global Perspective, 5th edition, Los Angeles, CA: Sage Publications.
29. Milanovic, B.(2011), The Haves and the Have-Nots: A Short and Idiosyncratic History of Global Inequality, NewYork: Basic Books.
30. Morris, D. and. McAlpin, M. B.(1982), measuring the Condition of India's Poor: The Physical Quality of Life Index. New Delhi: Promilla and Company Publishers.
31. Organization for Economic Co-operation and Development(2006), 'The New Rural Paradigm: policies and governance', Paris: OECD. http://www3.unisi.it/cipas/ref/OECD_2006_Rural_Paradigm.pdf.
32. Peters, M. Kallmuenzer, A. and Buhalis, D.(2019), Hospitality entrepreneurs managing quality of life and business growth, Current Issues in Tourism, 22(16): 2014- 2033.
33. Rogers, Everett M.(1995), Diffusion of Innovations, 4th edition, New York: Free Press.
34. Sen, A.(1999), Development as freedom, Oxford University Press, New York
35. Singh, K.(2009), Rural Development: Principles, Policies and Management, India, SAGE Publications, Third Edition.
36. Stanny, M. Rosner, A. and Kozdron, N.(2016), Zmiany rozkładu przestrzennego poziomui dynamiki rozwoju społeczno-gospodarczego obszarów wiejskichw Polsce, Rural and agricultural, 4(173): 29- 48.
37. Streeten, P.(1981), Development perspectives, Macmillan, London.
38. Todaro, M. P.(1997), Economic development, Longman, London.
39. United States Department of Agriculture(USDA)(2010), 'Rural America at a glance, http://www.ers.usda.gov/media/138737/eib68_1_.pdf.
40. Van der Gaag, J.(2011), 'The economics of human development', 2011 International Conference on Early Childhood Development, Beijing.
41. Van der Ploeg, J. D; Schneider, S; and Ye, J.(2012), Rural development through the construction of new, nested markets: Comparative perspectives from China, Brazil and the European Union. Journal of Peasant Studies, 39(1): 133-173.
42. Wang, Y. Liu, Y. Li, Y. and Li, T.(2016), the spatio-temporal patterns of urban-rural development transformation in China since 1990, Habitat International, 53: 178- 187.
43. World Bank,(2018), staff estimates based on the United Nations Population Division's World Urbanization Prospects: 2018 Revision.
44. Yazawa. A, Inoue. Y, Li. D, Du. J, Jin. Y, Chen.Y, Nishitani. M, Watanabe. Ch and Masahiro Umezaki,(2014), Impact of lifestyle changes on stress in a

modernizing rural population in Hainan Island, China, *American Journal of Human Biology*, 26(1):36-42.